



دانشگاه باقر العلوم «علیه السلام»

دانشکده: فلسفه و اخلاق

رساله جهت اخذ درجه دکتری

رشته: فلسفه حقوق

عنوان:

ماهیت، مبنا و استلزامات حقوقی فرزندآوری

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر محمود حکمت نیا

استاد مشاور:

حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر احمد واعظی

دانشجو: داود بصارتی

اردیبهشت ۱۴۰۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم

این اثر به حضرت بقیه الله الاعظم حضرت حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه
الشریف تقدیم می شود.

تقدیر و تشکر

سپاس خدای را که سخنوران، در ستودن او بمانند و شمارندگان، شمردن نعمت‌های او ندانند و کوشندگان، حق او را گزاردن نتوانند. و سلام و درود بر محمد و خاندان پاک او، طاهران معصوم، هم آنان که وجودمان وامدار وجودشان است؛ و نفرین پیوسته بر دشمنان ایشان تا روز رستاخیز... به پاس قدر دانی از مقام شامخ معلم، از استادان گرامیم جناب آقای دکتر محمود حکمت‌نیا، به عنوان استاد راهنما و حجت الاسلام و المسلمین دکتر احمد واعظی، به عنوان استاد مشاور بسیار سپاسگزارم.

چکیده

انسان به لحاظ خلقت تکوینی و تمایل درونی و فطری به بقاء و ادامه نسل، دارای توانایی و قابلیت بالقوه‌ی فرزندآوری است، اما امروزه عده قابل توجهی از خانواده‌های ایرانی تمایلی به فرزندآوری ندارند و یا به آوردن یک فرزند اکتفا می‌کنند. با کاهش جمعیت و نیروی انسانی در ایران و به دنبال آن احساس نگرانی نخبگان از این موضوع به جهت بروز مشکلات گوناگون در عرصه‌های مدیریتی، امنیتی، اقتصادی کشور و مانند آن، فرزندآوری اهمیت بیشتری پیدا کرده است. بررسی‌های منسجم درباره ماهیت، مبنا و استلزامات حقوقی فرزندآوری و تأثیر آن در تسریع جهت‌گیری آگاهانه و مشتاقانه انسان به سمت فرزندآوری و کاهش تبعات ناشی از کاهش جمعیت انجام نشده است. این پژوهش در پی پاسخگویی به چستی ماهیت، مبنا و استلزامات حقوقی فرزندآوری و تأثیر آن در تمایل و اقدام آگاهانه افراد به فرزندآوری است. مطالعه عوامل مذکور می‌تواند دستاوردهای ارزشمندی در فهم جایگاه ماهیت، مبنا و استلزامات فرزندآوری و نقش آنها در فرزندآوری داشته باشد؛ از این رو پژوهش حاضر در صدد تبیین ماهیت، مبنا و استلزامات حقوقی فرزندآوری به شیوه توصیفی-تحلیلی و تأثیر آن در آماده‌کردن آگاهانه خانواده‌ها و دولت برای فرزندآوری است.

أهم نتایج پژوهش در ماهیت، مبنا و استلزامات حقوقی فرزندآوری به این ترتیب است: اولاً ماهیت حقوقی فرزندآوری، «حق‌بودن» آن است؛ زیرا مهم‌ترین اثر حق یعنی «اسقاط‌پذیری» ولو به نحو محدود در آن جاری است، اما بارزترین اثر حکم یعنی «اسقاط‌ناپذیری» در آن راه ندارد. این ماهیت هم به زن و هم به مرد تعلق دارد؛ بنابراین فرزندآوری، حق مشترک زوجین است. ثانیاً مبنای فرزندآوری به معنای چرایی و منشأ تبعیت از قوانین مربوط به فرزندآوری در نظام حقوقی اسلام، اراده حکیمانه خداوند متعال است و این اراده بر تولید و تربیت نسل توحیدی تعلق گرفته و فرزندآوری نقطه عزیمت این مهم است. ثالثاً استلزامات حقوقی فرزندآوری نسبت به زوجین و دولت نیازمند مصوبات قانونی است؛ چرا که برای چگونگی احیای فرزندآوری از سوی زوجین خصوصاً و از طرف دولت عموماً و این که طرف مقابل این حق چه تعهدات قانونی بر عهده دارد، مقررات صریحی از سوی قانونگذار تصویب نشده است. تبیین استلزامات حقوقی دولت نیازمند تشریح مبانی دخالت دولت و قلمرو آن در امر فرزندآوری است؛ زیرا فرزندآوری یک امر شخصی و مربوط به زوجین است و اصل این است که دولت در امور شخصی افراد دخالت نکند؛ بنابراین برای موجه جلوه کردن دخالت دولت در مسئله فرزندآوری مبانی‌ای همچون ولایت حاکم بر ممتنع، نظم‌آفرینی و امثال آن مطرح است و مرز دخالت دولت، وجود مصلحت اجتماعی مهم‌تر از اعمال آزادی افراد در امور خصوصی آنها است. همچنین جبران خسارت‌های احتمالی وارد شده به صاحبان حق فرزندآوری که ممکن است از رهگذر عدم ایفای تعهدات طرف (های) حق مزبور ناشی شود، محتاج قوانین شفاف است.

واژگان کلیدی: فرزندآوری زوجین، ماهیت حقوقی فرزندآوری، مبانی فرزندآوری، استلزامات حقوقی فرزندآوری، حق فرزندآوری

Table of Contents

چکیده	۵
مقدمه	۱
۱. بیان مسأله	۱
۲. سؤال های تحقیق	۶
۲-۱. سؤال اصلی	۶
۲-۲. سؤال های فرعی	۶
۳. فرضیه تحقیق	۶
۴. اهمیت مسأله و ضرورت تحقیق	۶
۵. پیشینه تحقیق	۷
۶. نوآوری تحقیق	۸
۷. اهداف تحقیق	۸
۸. فواید تحقیق	۸
۹. روش انجام تحقیق	۹
۱۰. سازمان دهی تحقیق	۹
فصل اول: مفاهیم و رویکردهای حقوقی به فرزندآوری	۹
مبحث اول - مفاهیم	۱۰
گفتار اول - مفهوم حق	۱۰
الف - حق در لغت	۱۰
ب - حق در اصطلاح	۱۰
گفتار دوم - مفهوم فرزندآوری	۲۳
گفتار سوم - مفهوم تکلیف	۲۴
گفتار چهارم - مفهوم استلزام	۲۵
مبحث دوم - رویکردهای حقوقی به فرزندآوری	۲۶
گفتار اول - عقل گرایی	۲۷
گفتار دوم - تجربه گرایی	۲۹

ماهیت، مبنا و استلزامات حقوقی فرزندآوری.....ز

گفتار سوم- اراده گرایی حکیمانه ۳۱

گفتار چهارم- ارزیابی رویکردها ۳۲

فصل دوم: ماهیت و مبانی فرزندآوری ۳۹

مبحث اول- ماهیت فرزندآوری ۴۰

گفتار اول- ماهیت حقوقی ۴۰

الف- حکم بودن فرزندآوری ۴۶

ب- حق بودن فرزندآوری ۴۸

گفتار دوم- دیدگاه برگزیده ۵۸

مبحث دوم- مبانی فرزندآوری ۶۵

گفتار اول- دیدگاه خردگرا ۶۷

الف- حقوق طبیعی غایت گرا ۷۰

ب- حقوق طبیعی خاستگاه گرا ۷۲

گفتار دوم- دیدگاه اراده گرا ۷۳

الف- مکتب حقوق طبیعی و اراده گرایی ۷۴

ب- مکتب تاریخی حقوق ۷۶

ج- مکتب تحقیقی حقوق ۷۹

گفتار سوم- جایگاه اراده گرایی و خردگرایی در میان اندیشمندان اسلامی ۸۳

گفتار چهارم- مبنای انسان شناختی فرزندآوری ۸۸

الف- ماهیت انسان ۸۸

۱.دوبعدی بودن انسان ۸۸

۲.معادباوری انسان ۹۲

۳.اختیار انسان ۹۳

ب- ماهیت انسان در رابطه با خدا ۹۴

ج- ماهیت انسان در رابطه با همنوعان ۹۶

۱.رابطه زوجین با یکدیگر ۹۶

۲.رابطه پدر و مادر با فرزندان ۹۸

گفتار پنجم- مبانی فرزندآوری در نظام حقوقی اسلام ۹۹

فصل سوم: استلزامات حقوقی فرزندآوری ۱۱۹

مبحث اول- استلزامات حقوقی زوجین نسبت به فرزندآوری	۱۲۰
گفتار اول – فرزندآوری، مقتضای ذات عقد نکاح و استلزامات آن	۱۲۱
گفتار دوم-فرزندآوری، مقتضای اطلاق عقد نکاح و استلزامات آن	۱۲۳
گفتار سوم- الزام فرزندآوری و استلزامات آن با تأکید بر قانون مدنی	۱۲۷
مبحث دوم- استلزامات حقوقی دولت	۱۳۱
گفتار اول- مفهوم دولت	۱۳۲
گفتار دوم- شخصی یا عمومی بودن فرزندآوری و اهداف دخالت دولت	۱۳۴
گفتار سوم-مبانی دخالت دولت در امر فرزندآوری	۱۳۷
گفتار چهارم- مرز قدرت دولت	۱۴۳
گفتار پنجم- استلزامات حقوقی دولت	۱۴۵
گفتار ششم- ضمانت اجرای استلزامات حقوقی دولت	۱۵۳
مبحث سوم- استلزامات فرزندآوری و سقط جنین	۱۶۰
گفتار اول- چیستی جنین	۱۶۳
گفتار دوم- چیستی مادر	۱۶۵
گفتار سوم- ادله مشروعیت سقط جنین	۱۷۲
خاتمه، جمع بندی و نتیجه گیری	۱۷۵
منابع	۱۸۱
الف- منابع فارسی	۱۸۱
ب- منابع عربی	۱۸۵
منابع انگلیسی	۱۹۰
ب) مقالات	۱۹۱
پایگاه های اطلاع رسانی	۱۹۳

مقدمه

۱. بیان مسأله

مقوله «فرزنددارشدن» یک امر طبیعی و مورد تأیید ادله شرعی است و اگر تبیین آن به عنوان یک حق طبیعی ممکن باشد، می‌تواند آثار سازنده‌ای در حوزه خانواده، استحکام بنیان آن و ثبات جمعیتی یک کشور داشته باشد. براساس تعالیم اسلامی فرزنددارشدن، یکی از اهداف مسلم زناشویی بوده و ممکن است حق مشترک زوجین محسوب شود. افزون بر آن، حس جاودانگی و امتداد حیات و عشق به فرزند، در طبیعت انسان نهاده شده است. از این رو اصل فرزنددارشدن یک نیاز طبیعی و یک حق برای زوجین به شمار می‌رود و زمینه آن در جسم و روان انسان وجود دارد. فایده استیفای حق فرزنددارشدن نه تنها به زوجین، بلکه به نوع بشر و جامعه نیز می‌رسد؛ جامعه هم به حسب خودش شایستگی و به نوعی حق بهره‌مندی از آثار و فواید حق مزبور را دارد؛ آثاری همچون تشکیل بافت جمعیتی، تأمین نیروی انسانی لازم برای اداره بخش‌های مختلف کشور از جمله‌ی آنهاست. به این دلیل اهمیت این حق از دیگر حق‌های طبیعی بشر بیشتر است.

امروزه در جامعه ایران خانواده‌ها به جهات مختلف اقتصادی، فرهنگی، عرفی و ... از فرزنددارشدن خودداری می‌کنند. گاهی یکی از زوجین برخلاف تمایل طرف مقابل و گاهی هردو به‌طور توافقی از فرزندآوری خودداری می‌کنند. این امر سبب نگرانی کارشناسان و صاحب‌نظران مبنی بر کاهش جمعیت و دامن‌گیرشدن تبعات آن به کشور شده است. یکی از راهکارهای مهمی که می‌تواند نگرانی مذکور را از بین ببرد، تحلیل و تبیین ماهیت حقوقی فرزنددارشدن در قالب حق و تعلق آن به زوجین به عنوان یک حق مشترک است و افراد نوعاً تمایل درونی و طبیعی به احیای حق خود دارند؛ البته در حقوق مشترکی مثل فرزندآوری، تمایل مذکور باید در تمام ذی‌حق‌ها وجود داشته باشد تا در راستای تحقق آن اقدامات مشترک را انجام دهند.

بنابراین در وهله اول باید ماهیت حقوقی فرزندآوری تبیین شود و معلوم شود که ماهیت حقوقی آن «حق» است یا «یک امر الزامی» و بعد از مشخص‌شدن ماهیت آن، رابطه فرزندآوری با زوجین از لحاظ استحقاق و استلزام زوجین نسبت به آن واکاوی شود؛ به این معنا که آیا زوجین به لحاظ حق بودن فرزندآوری در فرض اثبات، همیشه مستحق این حق هستند به گونه‌ای که هرگاه مایل باشند می‌توانند از این حق استفاده کنند و هرگاه تمایلی نداشته باشند می‌توانند از حق خود عبور کنند؟ یا علاوه بر استحقاق داشتن نسبت به آن، استلزاماتی نیز در قبال فرزندآوری متوجه آنها است؟ به عبارت دیگر آیا فرزندآوری یک حق امتیاز است که در آن فقط ذی حق و اختیار او مبنی بر استفاده کردن از حق یا استفاده نکردن از آن مطرح است که اگر این گونه باشد، بحث استلزامات در آن منتفی است یا یک حق طلب است که دو طرف دارد؛ یعنی هم ذی حق دارد و هم طرفی که ملکف به پاسداشت فرزندآوری است که در این صورت استلزامات قابل بحث می‌شود.

بنابراین بررسی استلزامات زوجین نسبت به فرزندآوری نیز از جمله مباحثی است که در این پژوهش قابل بررسی است.

علاوه بر زوجین که ممکن است ذی‌حق‌های اصلی و اولیه فرزندآوری باشند، رابطه دولت با امر فرزندآوری نیز نیازمند تحقیق است؛ زیرا دولت که قدرت سیاسی و حاکمیتی دارد، ممکن است در مواردی در امر فرزندآوری دخالت مثبت یا منفی کند. در این صورت بحث امکان یا عدم امکان دخالت دولت در امور خصوصی افراد- در صورتی که فرزندآوری از امور شخصی و خصوصی زوجین باشد- پیش می‌آید که این مطلب نیز در این رساله واکاوی می‌شود.

با توجه به مطالب فوق رابطه حق فرزنددارشدن با سیاست‌های جمعیتی روشن می‌شود؛ به عبارت دیگر مسأله اصلی این نوشتار بررسی فلسفی^۱ و عقلانی حق فرزنددارشدن است، نه پرداختن به سیاست‌های جمعیتی. البته ممکن است تبیین فلسفی این حق، در قلمرو و کیفیت اتخاذ سیاست‌های جمعیتی مؤثر باشد. نکته دیگری که شایان ذکر است، توجه به مرز موجود در بین حق فرزنددارشدن با حق بارداری است. تحقیق حاضر در صدد تحلیل و تبیین حق فرزنددارشدن و شناسایی صاحبان اصلی این حق یعنی زوجین و حقوق و تکالیف آنها در مقابل حق مذکور است، در حالی که بحث حق بارداری متوجه یک طرف یعنی زوج است و پرداختن به آن از موضوع این نوشتار خارج است.

نکته دیگری که بررسی آن می‌تواند در تبیین جایگاه فرزندآوری در میان افراد و جامعه مؤثر باشد و اشتیاق آگاهانه و هدفمند آنها به فرزندآوری را برانگیزاند، مبانی فرزندآوری است. اگر ماهیت حقوقی فرزندآوری، «حق» باشد؛ در این صورت بحث مبنای حق فرزندآوری قابل توجه می‌شود. بحث مبنای حق و حقوق از جمله مباحث مهم و اساسی است که در دانش فلسفه حقوق دنبال می‌شود.

مکاتب حقوقی مختلفی بحث مبنای را دنبال می‌کنند و هر کدام دیدگاه‌های مختلفی نسبت به آن دارند؛ یکی از این مکاتب، مکتب حقوقی اسلام است که منشأ مشروعیت حق‌ها را اراده حکیمانه خداوند متعال می‌داند؛ بنابراین در صورتی که فرزندآوری یک حق باشد، منشأ مشروعیت حق فرزندآوری از رهگذر اراده خداوند حکیم تحلیل می‌شود. اراده خداوند در بحث حق فرزندآوری ممکن است تولید و تربیت نسل توحیدی باشد و این اراده با هدف خالق از خلقت انسان همسو است که در قرآن کریم بیان شده است. با توجه به این مطالب، تحلیل حق فرزندآوری بر اساس اراده الهی نیازمند بحث‌های انسان‌شناسی است؛ اینکه انسان چه ماهیتی دارد؟ هدف از آفرینش او چیست و سرانجام او به کجا منتهی می‌شود؟

^۱. در این رساله فرزنددارشدن از منظر فلسفه حقوق بررسی می‌شود.

بنابراین بحث مبنای حق فرزندآوری در مکتب حقوقی اسلام از رهگذر تبیین مباحثی همچون «دو ساحتی بودن انسان»، «معادباوری» و «کمال طلبی او» قابل مطالعه است. نکته عمده در مبنای حق فرزندآوری با توجه به مباحث اخیر این است که تمایل به فرزندآوری و تلاش برای محقق کردن آن و اقدامات تربیتی و پرورشی پس از تولد مثل شیردادن، تربیت دینی همگی در کمال صاحبان حق فرزندآوری یعنی والدین بالذات و سایر افراد جامعه و دولت بالعرض نقش اساسی دارد. تبیین جایگاه فرزندآوری از این منظر می‌تواند در ایجاد انگیزه آگاهانه افراد برای فرزندآوری و کاهش تبعات ناشی از عدم فرزندآوری تأثیر مستقیم داشته باشد.

بنابراین در این رساله درباره ماهیت، مبنا و استلزامات حقوقی فرزندآوری بحث می‌شود. فرزندآوری هنگامی که به صورت حقوقی قلمداد می‌شود با توجه به ساختار نظام‌های حقوقی، سنخ آن نیازمند تحلیل است. یکی از مهم‌ترین مسائلی که در فرزندآوری به لحاظ سنخ حقوقی، مطرح می‌شود، مشخص کردن ابزاری یا استقلالی بودن آن است؛ بدین معنا که آیا فرزندآوری یک حق اصیل و دارای ارزش ذاتی است یا اینکه ماهیت آن ابزاری و برای تحقق و به دنبال داشتن یک غایت و منفعت دیگری است و در نتیجه مشروعیت آن به ابزار بودن آن است. این موضوع در بحث غایات و اهداف فرزندآوری قابل بررسی است؛ به این معنا که شارع مقدس و دولت که در امر فرزندآوری ورود می‌کنند، اهداف و غایاتی از این ورود دارند؛ لذا چیستی غایات فرزندآوری نیز از جمله مباحثی است که در این رساله باید بررسی شود.

باید توجه کرد که در نظام حقوقی اسلام مواجهه دولت با فرزندآوری به عنوان قدرت حاکم نیز در بحث استلزامات دارای اهمیت است. در واقع موضوع گفتگو این است که نقش و وظیفه مستقم دولت نسبت به فرزندآوری چیست؟ قالب‌های حمایتی دولت در رابطه با این موضوع باید چگونه باشد؟ از این رو شایسته است وظایف و استلزامات دولت نسبت به فرزندآوری مثل وظایف او در بحث تأمین امکانات و تسهیلات لازم و کافی برای فرزندآوری، تأمین نیازمندی‌های پزشکی و درمانی مادر در زمان فرزندآوری، تعدیل هزینه‌های دوره بارداری و زایمان، اتخاذ سیاست‌های حمایتی و آموزشی برای بعد از تولد همانند آموزش و پرورش فرزند، تأمین بهداشت، تأمین مسکن، ایجاد اشتغال او و ... تبیین و مشخص شود. این مباحث و سایر مطالب مرتبط در بحث استلزامات حقوقی فرزندآوری تحلیل و تبیین می‌شود. گفتنی است باید رویکردها را نیز در حق فرزنددارشدن بررسی کرد. به طور کلی مکاتب فکری به دو بخش انسان‌محور و توحیدمحور تقسیم می‌شوند که باید رویکرد هر یک را نسبت به موضوع مشخص کرد.

مکاتب انسان‌محور با اینکه متنوع و مختلف‌اند، اما دارای محور مشترک هستند؛ محور مشترک تمام آنها، نادیده انگاشتن بعد روحی انسان و کنارگذاشتن آموزه‌های وحیانی از زندگی اجتماعی و غفلت از خداوند به عنوان

شارع و قانونگذار است. حذف خداوند از زندگی اجتماعی و حقوقی صرف نظر از آخرت‌گرایی و کمال‌گرایی انسان، مستلزم آن خواهد بود که حتی اخلاق و مسئولیت اخلاقی انسان، بر محور انسان و دنیا قرار داده شود.

در مکاتب انسان‌محوری ممکن است فرزندآوری بر اساس منافع اقتصادی محاسبه شود. تجربه‌گرایان به عنوان یکی از رویکردهای انسان‌محوری، منفعت‌گرا هستند؛ یعنی بر نتایج کارها تأکید می‌کنند و با معیار قراردادن «لذت» و «آلم»، قواعد را توجیه می‌کنند؛ از این رو در بحث فرزندآوری نیز همین مسیر را طی می‌کنند؛ یعنی منفعت فرزندآوری و میزان آن را برای فرد متولدشده، برای خانواده و برای جامعه محاسبه می‌کنند و براساس نتایج محاسبه مذکور درباره آن تصمیم‌گیری می‌نمایند.

همچنین ممکن است فرزندآوری از طریق قواعد حقوقی عقل‌گرایانه محاسبه شود. عقل‌گرایان معتقدند که عقاید اساسی درباره عالم با عقل قابل تبیین است. یکی از مکاتب مهمی که براساس عقل‌گرایی شکل گرفته است، مکتب حقوق طبیعی است. طبق این مکتب، یک سری قواعد فرامکانی و فرازمانی وجود دارند که دارای اعتبار هستند و سایر گزاره‌ها باید اعتبار خود را از این قواعد بگیرند. از دیگر ویژگی‌های این مکتب، موضوع آن است؛ موضوع قواعد مکتب حقوق طبیعی، انسان عاقل است؛ این قواعد، انسان را یک شیء و موجود فیزیکی صرف در نظر نمی‌گیرند، بلکه انسان را موجودی مختار و صاحب اراده دانسته که می‌تواند با اختیار خود به این قواعد پایبند باشد.

شایان ذکر است بحث فرزندآوری از منظر رویکرد عقل‌گرایی، به بحث شخصیت و کرامت انسان و مباحثی از این قبیل برمی‌گردد؛ به عبارت دیگر کرامت نطفه‌ی منعقدشده، کرامت پدر و مادر و اقتضائات آن برای ادامه حیات نطفه بحث و مطالعه می‌شود.

دو رویکرد مذکور یعنی رویکردهای تجربه‌گرایی و عقل‌گرایی به عنوان اقسام رویکرد انسان‌محور از رویکردهای اساسی در این پژوهش است. کسانی که حقوق پوزیتویستی را قبول دارند، بیشتر روی الزام قواعد حقوقی بحث می‌کنند و مفاد قواعد حقوقی را از طریق یکی از دو روش تجربه‌گرایی و عقل‌گرایی به دست می‌آورند؛ یعنی اصول موضوعه حقوق را بیشتر مدنظر دارند؛ حالا این اصول موضوعه ممکن است عقلی باشد یا غیرعقلی.

در رویکرد توحیدمحور، مشروعیت فرزندآوری به خداوند حکیم نسبت داده می‌شود. مبنای مشروعیت قواعد حقوقی در این رویکرد، اراده حکیمانه شارع مقدس است. طبق این رویکرد، شارع، قواعد مناسب با حیات اجتماعی بشر از جمله قواعد مربوط به تشکیل خانواده و دوام آن از رهگذر فرزندآوری را مقرر و تشریع می‌کند و انسان می‌تواند با فهم و اجرای این قواعد، به سعادت دنیوی و اخروی برسد.

نگاه به خانواده و مباحث پیرامون آن به لحاظ روانشناختی، جامعه‌شناختی، تحولات تاریخی و فرهنگی جای گفتگو دارد. با احترامی که به تحقیقات این گونه‌ای داریم، در حوزه بحث رساله حاضر یک سری پرسش‌های فلسفه‌حقوقی و حقوقی مطرح است که در صدد بررسی آنها هستیم و ورود تحلیلی به تحقیقات مذکور نیازمند پژوهش‌های جداگانه دیگری است و طرح آنها در رساله حاضر، مورد نظر نیست.

۲. سؤال‌های تحقیق

۲-۱. سؤال اصلی

ماهیت، مبنا و استلزامات حقوقی فرزندآوری چیست؟

۲-۲. سؤال‌های فرعی

۲-۲-۱. ماهیت حقوقی فرزندآوری چیست؟

۲-۲-۲. مبنای فرزندآوری چیست؟

۲-۲-۳. استلزامات حقوقی زوجین نسبت به فرزندآوری چیست؟

۲-۲-۴. استلزامات حقوقی دولت نسبت به فرزندآوری چیست؟

۲-۲-۵. رویکردهای حقوقی به فرزندآوری چیست؟

۲-۲-۶. ضمانت اجرای استلزامات حقوقی دولت در امر فرزندآوری چیست؟

۳. فرضیه تحقیق

ماهیت فرزندآوری به لحاظ حقوقی ممکن است «حق» باشد نه «حکم». اگر حق باشد، آثار و ویژگی‌های حق از جمله تعهد علیه حق در فرزندآوری قابل بررسی است.

مبنای فرزندآوری نیز ممکن است با توجه به مبانی حقوق قابل تبیین باشد؛ زیرا اگر ماهیت فرزندآوری یک حق باشد، ذیل حقوق قرار مطالعه می‌شود و در حقوق نیز دو دیدگاه کلان درباره مبانی آن وجود دارد؛ یعنی دیدگاه‌های خردگرا و اراده‌گرا. در این دیدگاه‌های کلان نیز مکاتب حقوقی مختلفی مثل مکتب حقوق طبیعی و مکتب حقوق پوزیتیویستی و مکتب حقوقی اسلام درباره مبانی حقوق بحث کرده‌اند.

استلزامات حقوقی فرزندآوری نیز ممکن است یک مرتبه نسبت به زوجین و مرتبه دیگر نسبت به دولت مطرح شود. استلزامات زوجین به فرزندآوری با توجه به مقتضای نکاح نسبت به فرزندآوری قابل بررسی است و استلزامات حقوقی دولت نیز ممکن است اموری همچون لزوم تأمین امکانات و تسهیلات فرزندآوری، بالابردن سطح آگاهی مردم و زوجین نسبت به فرزندآوری، پاسداری از اصالت و قداست خانواده و ... باشد.

۴. اهمیت مسأله و ضرورت تحقیق

اگر بی‌میلی خانواده‌ها و جامعه و خلأ شناختی آنها نسبت به ماهیت و مبنا و آثار مثبت فردی و اجتماعی فرزندآوری جای خود را به تمایل آگاهانه آنها به فرزندآوری بدهد، خانواده‌ها و جامعه و دولت از فواید و برکات فرزندآوری همچون وجود جمعیت مطلوب، تأمین امنیت، استحکام خانواده، وجود نیروی انسانی کافی برای

مدیریت کشور در ابعاد مختلف، پویا و بانشاط بودن جامعه، تجلی ارزش‌های معنوی حاصل از فرزندآوری و فرزندپروری اسلامی بهره‌مند می‌شوند. وجه ضرورت تحقیق نیز به تبعات ناشی از کاهش جمعیت؛ مثل مخدوش شدن امنیت عمومی، پیرشدن کشور، وابستگی خارجی به تأمین نیروی کار، کم‌رنگ یا بی‌فروغ شدن ارزش‌های خانوادگی و امثال آن بر می‌گردد که در اثر ممانعت یا خودداری از فرزندآوری و بی‌توجهی به آن دامن‌گیر افراد و جامعه می‌شود.

۵. پیشینه تحقیق

تحقیقاتی که درباره موضوع فرزندآوری انجام شده، با اهداف پژوهش حاضر فاصله دارد و جوه متمایز متعددی بین آنها و تحقیق پیش‌رو حاکم است که پس از اشاره اجمالی به تحقیقات مزبور، برخی از جوه مذکور بیان می‌شود. مقالاتی که درباره فرزندآوری نگارش شده است، هر کدام ناظر به بُعدی از ابعاد متعدد فرزندآوری است؛ مثلاً در برخی از آنها، بحث «**مبانی فقهی الزام به فرزندآوری**» و در برخی دیگر «**مشروعیت الزام به فرزندآوری**» واکاوی شده است. همان‌طور از عناوین مقالات پیداست، مبانی فقهی الزام زوجین به فرزندآوری در آنها مطالعه شده است و نقطه کانونی بحث، همان جستجو و شناسایی مبانی فقهی الزام زوجین به موضوع فرزندآوری است.

در موضوع حق فرزندآوری، کتابی با عنوان «**مبانی فقهی-حقوقی حق فرزندآوری زوجین**» موجود است که در آن، برای اثبات حق فرزندآوری زن و مرد، مبانی فقهی مختلفی واکاوی شده است و طبق هر مبنا، تعلق حق مزبور به یکی از زن و مرد و یا به هر دو به عنوان حق مشترک، بررسی شده است. در این کتاب نیز، تمرکز اصلی بر روی مبانی فقهی تعلق حق فرزندآوری به یکی از زوجین به عنوان حق اختصاصی و یا تعلق آن به هر دو، به عنوان یک حق مشترک می‌باشد.

آنچه در آثار مذکور محوریت دارد، مشروعیت و الزام‌آوری حق فرزندآوری و تعلق آن به یکی از زوجین یا هر دوی آنها از منظر فقهی است و ابعاد دیگر بحث مثل مبانی فلسفه حقوقی فرزندآوری و استلزامات حقوقی آن نسبت به زن و مرد و حتی نسبت به دولت بررسی نشده است.

بررسی ابعاد اخیر در این پژوهش، وجه امتیاز آن از آثار مذکور است؛ از این رو در تحقیق حاضر علاوه بر بررسی مبانی فرزندآوری، ماهیت و استلزامات حقوقی آن نیز واکاوی می‌شود. استلزامات حقوقی، هم نسبت به زوجین و هم نسبت به دولت مطرح می‌شود؛ بدین معنا که هر یک از زن و مرد چه تعهداتی در قبال این امر نسبت به طرف مقابل خود دارند؟ دولت چه تعهداتی در قبال آن بر عهده دارد؟ وظایف دولت در زمینه تسهیل احقاق این

امر چیست؟ پس از احقاق فرزنداوری و اقدام زوجین به این امر، تعهدات دولت در زمینه بهداشت فرزند، تحصیل، رفاه و سایر مؤلفه‌های مرتبط با نیازهای فردی و جسمی و روحی فرزند چیست؟

با جستجویی که در آثار موجود در زمینه فرزنداوری انجام شد، معلوم گردید که تحقیقی با این عنوان انجام نشده است؛ یعنی اولاً بحث فرزنداوری، از مباحثی است که به طور مستقل به آن پرداخت نشده است و رساله یا مقاله‌ای که در آن رابطه فرزنداوری را با زوجین، دولت و جامعه بررسی کرده باشد، نگارش نشده است. ثانیاً بررسی فلسفی این موضوع، سابقه پژوهش ندارد و تاکنون اثری که موضوع فرزنداوری را از منظر فلسفی بحث کرده باشد، در دسترس نیست.

تلاش می‌شود در پژوهش حاضر فرزنداوری زوجین در ابعاد سه‌گانه‌ی «مبنا»، «ماهیت» و «استلزامات حقوقی» به شرح بالا مطالعه و بررسی شود تا ضمن روشن‌شدن ابعاد سه‌گانه، پاسخ سؤالات مزبور نیز روشن گردد.

۶. نوآوری تحقیق

در این تحقیق تبیین مبنا و استلزامات حقوقی فرزنداوری از مباحث جدیدی است که کار پژوهشی مبسوطی نسبت به آن انجام نشده است. مبنای فرزنداوری به لحاظ مبانی حقوق که یکی از اساسی‌ترین مباحث فلسفه حقوق است، واکاوی و جایگاه آن در مکاتب حقوقی مشهور در فلسفه حقوق بررسی شده است. مکاتب حقوقی در فلسفه حقوق برای پاسخگویی به چرایی مشروعیت و الزام‌آوری قواعد حقوقی مطرح می‌شوند. عمده آنها سه مکتب حقوقی مشهور یعنی مکتب حقوق طبیعی، مکتب حقوق پوزیتیویستی و مکتب حقوق اسلام است. بررسی مبنای فرزنداوری طبق سه دیدگاه یادشده در نوع خود جدید است؛ زیرا طبق جستجوی انجام‌شده، اثر مکتوبی درباره آن پیدا نشد. همچنین این پژوهش به دنبال ترسیم مدلی برای ایفای نقش دولت در قبال فرزنداوری و تبیین ضمانت اجرای دولت برای انجام استلزامات او است. این موارد در آثار مکتوب مربوط به حق فرزنداوری، بررسی نشده است.

۷. اهداف تحقیق

یکی از اهداف این تحقیق بررسی ماهیت و مبانی فرزنداوری است و هدف دیگر آن واکاوی استلزامات حقوقی فرزنداوری نسبت به زوجین و دولت است. همچنین تعیین مرز دخالت دولت در فرزنداوری و بررسی مبانی دخالت او نیز از دیگر اهداف این تحقیق است.

۸. فواید تحقیق

فواید این تحقیق از دو جنبه نظری و کاربردی قابل توجه است. این پژوهش از لحاظ نظری به شناخت انسان خصوصاً زوجین نسبت به جایگاه فرزنداوری و آثار مثبت آن در خوشبختی مادی و معنوی انسان کمک می‌کند